

روش‌های تغییر و اصلاح رفتار از دیدگاه اسلام

محمدلطیف محبی^۱

چکیده

این پژوهش باهدف ارائه روش‌های تغییر و اصلاح رفتار با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی، با تأکید بر منابع اسلامی انجام شده است. پژوهش بر این فرض استوار است که بخشی قابل توجه از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری و فرهنگی ناشی از زندگی شهری و صنعتی، به دلیل استفاده از روش‌ها و الگوهای نادرست و غیرعلمی بوده است. منابع اسلامی با توجه به مسائل و رنج‌های انسان امروزی، درصدد ارائه راهکارها و روش‌های به هدف تغییر و اصلاح نگرش و رفتار مخاطبان بوده است. به این دلیل در این مقاله به ده عنوان از روش‌های اصلاح و تغییر رفتار با تأکید بر منابع اسلامی اشاره گردیده است.

دستیابی به مهارت‌ها و فنون مقابله با ناهنجاری‌ها؛ ارائه راهکارهای عملی و غیر مستقیم به منظور اصلاح و ترمیم رفتارهای سلبی؛ ایجاد تغییرات مطلوب از دیدگاه اسلام در شخصیت و رفتار مخاطبان؛ ایجاد انگیزه در افراد برای تغییرات واقعی در اخلاق و رفتار؛ ارائه راه‌حل‌های علمی به منظور رفع تعارض‌های درونی و ناسازگاری‌های اجتماعی؛ تعمیق دل‌بستگی‌های معنوی و تقویت روحیه ارزش محوری بخشی از اهداف این پژوهش است. روش پژوهش در این تحقیق از نوع کیفی و توصیفی - تحلیلی است. **کلیدواژه‌ها:** روش، اصلاح و تغییر، رفتار، منابع اسلامی.

مقدمه

عنوان این مقاله، روش‌های تغییر و اصلاح رفتار با تأکید بر منابع اسلامی است. منظور از روش‌های تغییر و اصلاح رفتار، مجموعه روش‌ها و فنونی است که برای رفع مشکلات رفتاری، اختلالات روان‌شناختی و سازگاری اجتماعی افراد بر اساس معیارهای علمی و اسلامی بکار گرفته می‌شود. روش، همان طریقی است که مربی و استاد در سلوک تربیتی خود طی می‌کند؛ زیرا در حوزه رفتار، پرداختن به هر امری و رسیدن به هدف روش خاص خود را دارد و حرکت از غیر آن به تشویش و حیرت منجر می‌شود؛ چنان‌که در دیگر عرصه‌های زندگی، این‌گونه است که افراد روش‌های مختلف را آزمون می‌کنند تا بتوانند با انتخاب بهترین روش، رفتارهای خود را تنظیم و اصلاح نمایند تا مطابق با اهداف و نیازهایشان باشد. به عبارتی فلسفه استفاده از روش به کارگیری اهداف در زندگی واقعی است.

دین اسلام، دین رفتارهای عالمانه، خودخواسته و هدف‌دار است؛ زیرا رفتارهای پاک و شایسته، وسیله سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت است و رفتارهای اصلاح شده، همراه ایمان از شاخصه‌های دین‌داری مطلوب به حساب می‌آید؛ یعنی ایمان و عمل شایسته دو رکن دین‌داری است: «إِنَّ الدِّينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (مریم: ۹۶).

^۱. دانش آموخته دکتری قرآن و علوم تربیتی مجتمع عالی علوم انسانی. mlmohebei@gmail.com

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به‌زودی خدای رحمان برای آنها محبتی در دل‌ها قرار خواهد داد. از آنجا که انسان‌ها با محیط طبیعی و انسانی مدام سروکار دارند و پیوسته در حال تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هستند و مخاطبان با انواع اختلالات رفتاری در حوزه‌های مختلفی؛ مانند تعلیم و تربیت، حوزه اجتماعی و حوزه روحی و روانی، مواجه‌اند و بخشی از رفتارهای ناسازگارانه و نابهنجار از رویدادهای اجتماعی و محیطی نیز قابل یادگیری است و نمود این تأثیر در رفتار افراد قابل مشاهده است. مرور اجمالی در زندگی انسان‌ها نیز نشان می‌دهد که بشر همواره در صدد آزمون راه‌هایی بوده است تا بتواند رفتار خود را مطابق با اهداف، نیازها، هنجارها و انتظارات خویش و نرم‌های قانونی و فرهنگی حاکم بر جامعه، تنظیم و اصلاح کند؛ زیرا اصلاح و تغییر رفتار، فرایندی است که ما را به بازخوانی، واکاوی و بررسی رفتارهایمان در جنبه‌های مختلف «اثباتی و سلبی» آن فرامی‌خواند، جنبه‌های که طبق معمول نادیده گرفته شده است. هدف عمده از این فرایند؛ کاهش شدت و فراوانی رفتارهای نامطلوب و تقویت رفتارهای مطلوب است. باتوجه به مسائل پیش‌گفته در این مقاله به مهمترین روش‌های اصلاح و تغییر باتاکید بر منابع اسلامی اشاره می‌شود.

روش

روش در لغت به معنای راه، سبک، شیوه، طریق و فن آمده است و در اصطلاح علوم به مجموعه شیوه‌ها و تدابیری گفته می‌شود که برای کشف و شناخت حقیقت و دوری از لغزش‌ها به‌کاربرده می‌شود (فرمehینی فراهانی، ۱۳۷۹، ص ۳۶۹).

روش‌ها به اعتبارهای مختلف به انواع متعدد تقسیم می‌شود. افزون بر آن، روش‌ها گاهی ثابت و زمانی سیال است و به‌مرور با توسعه علوم کاربردی و دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعداد آن افزوده و یا کاسته می‌شود. روش‌ها با مبانی (علمی و دینی)، نظریات، اصول، اهداف، موانع، مراحل و ساحات تربیت در ارتباط دو سویه و چند سویه است؛ چنان‌که روش‌ها نوع رفتار و فعالیت است و انتخاب آن در هر حوزه متناسب با همان موضوع خواهد بود (اصل تناسب حکم و موضوع). به نظر می‌رسد میان روش‌ها و مبانی خاص نیز رابطه سببی حاکم نیست؛ زیرا ممکن است یک روش با چند مبنا و هدف همساز و سازوار باشد و عکس آن هم ممکن است. افزون بر آن، روش‌ها پدیده‌ای سیال است و مایزای عینی دارند. آموزه‌های وحیانی اسلام توجه ویژه به روش‌ها دارد؛ زیرا اهداف اسلامی و تربیتی از مقوله چرایی و فلسفی است و روش‌ها از مقوله عینی و حوزه اجرایی و اقدامات است؛ بدین‌وسیله برای دستیابی به اهداف، اصول و روش‌هایی ضروری است. از آنجا که کیفیت اجرای روش‌ها مهم است؛ می‌طلبد تا به اصول حاکم بر تربیت نیز توجه شود که پژوهش مستقل می‌خواهد. به دلایل پیش‌گفته در این مقاله به توصیف و تبیین بخشی از روش‌های مهم تغییر و اصلاح رفتار باتاکید بر منابع اسلامی پرداخته می‌شود.

روش‌های تغییر و اصلاح رفتار از دیدگاه اسلام

یکی از ابعاد وجودی انسان بعد رفتاری است؛ به همین دلیل برای تربیت افراد به روش‌های رفتاری (برنامه‌های عملی) نیز احتیاج است و در این مقاله تأکید بیشتر بر روش‌های رفتاری و عملی است. روش‌های رفتاری در تغییر و

اصلاح رفتار بسیار تأثیرگذار است؛ زیرا اکثریت افراد تابع امور محسوس و عینی هستند و پدیده‌های عینی اثر مضاعفی روی افراد دارند. فلسفه تأثیرگذاری سینما، تلویزیون، تئاتر و سایر انواع هنر در همین نکته است. این روش مانند دیگر روش‌های تربیتی روی همه ابعاد وجودی انسان تأثیرگذار است. رفتار افراد روی عواطف و شناخت آنان تأثیرگذار است؛ چنان‌که رفتار انسان‌ها یکی از منابع شناخت و به عنوان شناسنامه اصلی افراد نیز به حساب می‌آید؛ زیرا ما از طریق رفتار افراد به فرهنگ، سنت، سطح ادراک، نحوه زندگی و ملیت آنان پی می‌بریم.

به همین دلیل در روان‌شناسی یکی از مکاتب در باب یادگیری، نظریه‌های یادگیری رفتاری است که از نظریه‌های معروف رفتاری سرچشمه می‌گیرد. از نظر مکاتب رفتاری موضوع اصلی علم روان‌شناسی، رفتار است، مهم‌ترین چیز را رابطه بین محیط و رفتار می‌داند و تغییرات که در محیط ایجاد می‌شود به ایجاد تغییر در رفتار می‌انجامد (سیف، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰). در اسلام نیز به رفتار توجه ویژه شده است. متون دینی در قالب زبان عربی آمده است واژه رفتار با دو واژه فعل و عمل بیان گردیده است (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۲۶)؛ اما عمل و فعل تفاوت‌هایی نیز دارند که در یکی از منابع به حدود هفت مورد از تفاوت‌ها اشاره گردیده است (وطن‌دوست، ۱۳۸۲، ص ۳۵).

یکی از تفاوت‌ها این است: عمل به معنای هر کاری است که با قصد انجام گیرد؛ ولی فعل اعم از آن است؛ یعنی به کارهایی اطلاق می‌گردد که با قصد و یا بدون قصد انجام گیرد (مفردات الفاظ القرآن، واژه عمل). هر نوع رفتار دارای اثر است؛ در نتیجه هر رفتاری اعم از ارادی و غیرارادی دارای پیام است؛ ولی رفتارهای ارادی بیشتر تأثیرگذار است. مراد از روش‌های رفتاری در این بخش، روش‌هایی است که بیشتر در قالب رفتارهای ارادی، محسوس، عینی و به هدف اصلاح و تغییر رفتار و تأثیرگذاری روی مخاطبان از دیدگاه اسلام، تحلیل و تبیین می‌شود. این روش‌ها مختلف و متعدّدند و در ذیل به ده مورد از این روش‌ها اشاره می‌شود.

۱. روش تشویق و تنبیه^۲ (روش پس‌آیندی)

یکی از روش‌های رفتاری در حوزه اصلاح و تغییر، از دیدگاه اسلام روش تشویق و تنبیه است. این روش بر مبنای «تأثیرگذاری انسان بر موجودات دیگر و تأثیرپذیری از آنها» و همچنین بر مبنای علمی «شرطی‌سازی کنش‌گر» و اصول مربوطه، مبتنی است که در قالب تقویت مثبت و منفی قرار می‌گیرد و از طریق نظام پاداش به کنترل و مهار رفتارهای نامطلوب می‌پردازد. همه انسان‌ها از انواع تقویت‌ها به‌ویژه تقویت‌های نخستین که جواب‌گویی نیازهای اولیه و ذاتی انسان است مانند آب، غذا، هوا، خواب، مسکن و مانند آن تأثیر می‌پذیرند.

روش‌های اصلاح و تغییر در یک تقسیم‌بندی کلی به روش‌های پیش‌آیند و روش‌های پس‌آیندی تقسیم می‌شوند. روش تشویق و تنبیه جزء روش‌های پس‌آیندی (پیامدی) به حساب می‌آید؛ یعنی کاربردشان بعد از صدور یک رفتار مطلوب و مثبت و یا رفتار نامطلوب از مخاطب است؛ از این رو، مربی در رفتار اول نقش ندارد؛ اما برای تکرار همان رفتار خوب و

^۲. Rwaard and Punishment Method

یا ترک رفتار منفی و یا مشابه آن از تشویق و تنبیه استفاده می‌شود؛ یعنی با دست‌کاری پاداش و جزا به کنترل رفتار می‌پردازد.

از این روش درجایی استفاده می‌شود که انتظار صدور همان رفتار و یا مشابه آن باشد و مربی برای تکرار آن انگیزه و انرژی بیشتری به مخاطب می‌دهد. به عبارتی، تشویق و تنبیه از روش‌های بازدارنده است و در نقش تقویت مثبت و یا منفی و یا تنبیه به کار می‌رود.

در مکتب رفتارگرایی از نظر اسکینر (۱۹۵۳) در تقویت مثبت، یادگیرنده پس از انجام دادن یک رفتار به پاداش و پیامد مطلوب نائل می‌شود و در نتیجه به تکرار آن می‌پردازد و در تقویت منفی بعد از انجام دادن رفتار درست از یک ناراحتی و عامل آزارنده رهایی می‌یابد و به تکرار عمل می‌پردازد؛ اما در تنبیه که بعد از عمل آید به دریافت پیامد نامطلوب مواجه می‌شود تا به تکرار آن رفتار نپردازد؛ بنابراین؛ تشویق به معنای مواجه ساختن مخاطب به نتایج رفتار، یعنی اعطای پاداش و تجربه‌های خوشایند است. در منابع دینی به انواع از تشویق‌ها به عنوان تقویت‌کننده‌های نخستین و اجتماعی و مانند آن مرتب اشاره شده است. از جمله در مورد داستان اصحاب کهف که جوانان باایمان و باراده بودند و برای حفظ دین و آیین خویش در غار پناه گرفتند؛ به پروردگار خویش اعتماد کردند و به خدای خویش ایمان آوردند؛ از این رو خداوند متعال به هدف تشویق مخاطبان و پاداش رفتار مطلوب اصحاب کهف، آنان را الگوی عملی برای بشریت قرارداد و هدایت‌شان کرد و قلب‌هایشان را با یقین و نور ایمان استوار و منور ساخت: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى * وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا (کهف: ۱۳ و ۱۴)». ما خبر اصحاب کهف را به درستی بر تو حکایت می‌کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگار خود ایمان آوردند و ما نیز بر هدایتشان افزودیم و بر دل‌هایشان قوت بخشیدیم آنگاه که در مقابل مشرکان قیام کردند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمان و زمین است، غیر او هرگز معبودی را نخواهیم خواند که در این صورت حتماً ناحق گفته‌ایم. چنانچه رهایی از عذاب در آیه ذیل به عنوان تشویق و تقویت آمده است: «وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ نَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (هود: ۵۸)». هنگامی که فرمان عذاب الهی رسید، هود و کسانی را که به او ایمان آورده بودند با رحمتی از سوی خود نجات دادیم و آنان را از عذابی سخت رهایی بخشیدیم.

اما در تنبیه مواجه کردن متربی با تجربه ناخوشایند است: «وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (هود: ۶۷)؛ و کسانی را که ستم کردند فریاد مرگبار فراگرفت. پس در خانه‌هایشان به رو افتادند و جسم بی‌جان شدند. وقتی قوم هود به اعمال نادرست خویش اصرار ورزیدند و مرتکب رفتارهای ضد ارزشی شدند، خداوند آنان را تنبیه کرد و استفاده از روش تنبیه درباره قوم نوح، لوط و دیگران نیز آمده است (هود: ۴۳ و ۸۲؛ کهف: ۵۹).

روش تشویق و تنبیه در همه مراحل زندگی و برای همه افراد تأثیرگذار است و مصادیق این دو روش می‌تواند بر حسب موقعیت روحی و روانی و نیازهای جسمی افراد متفاوت باشد. گاهی با یک بیان و زمانی با اعطای پاداش یا جزای مادی یا معنوی و یا رفتار مناسب دیگر اتفاق خواهد افتاد.

از نظر روان‌شناختی و منابع دینی، تشویق عاملی برای انگیزش و برانگیختن افراد به‌سوی اهداف تربیتی و کارهای مثبت و در نتیجه زمینه‌سازی برای نشاط، رضایت درونی و رغبت است؛ زیرا هر انسانی بر حسب فطرت، تشویق، قدردانی، رفع نیازهای اولیه و کمال را دوست دارد و از تنبیه و جرمان که نوعی نقص است کراهت دارد. قابل‌یادآوری است که اجرای این روش، مثل هر روش دیگر از خودگذشتگی آداب و شرایط خاصی دارد؛ مانند این‌که پاداش و جرمان متناسب با عمل و در زمان مناسب و مقدور و با توجه به نیازها و وضعیت روحی و روانی و مقتضای حال مخاطب باشد.

تفاوت پاداش و تقویت نیز در این است که در پاداش بیشتر به قدردانی و سپاس‌گزاری از اعمال گذشته پرداخته می‌شود و طبعاً به تکرار نیز منجر می‌شود؛ اما در تقویت مثبت، هدف الزاماً تکرار آن رفتار در آینده است (سیف، ۱۳۷۸، ص ۵۵۷)؛ بنابراین منظور از تقویت مثبت، فرایندی است که در آن ارائه تقویت‌کننده مثبت بعد از رفتار به نیرومندی رفتار منجر می‌شود (سیف، ۷۸، ص ۵۵۸). در همین منبع به ذکر حدود ده نوع از تقویت‌کننده‌های مثبت برای تکرار و تغییر رفتار پرداخته است.

برخی از مصادیق تشویق و تقویت مواردی ذیل است: خوراک، پوشاک، جایزه، نمره، مدرک، توجه کردن، لبخند زدن، بوسیدن، اظهارات محبت‌آمیز، دیدن فیلم‌های مناسب، اردوی تفریحی - زیارتی، ورزش مورد علاقه، بازی‌های کامپیوتری و بازی‌های گروهی و مانند این امور؛ و تنبیه، ارائه محرک آزارنده بعد از یک رفتار نامطلوب به هدف کاهش آن رفتار است. تنبیه نیز می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد؛ مانند دعوی کردن، تهدید کردن، سرزنش، توجه نداشتن، قهر کردن، محروم کردن، روبرگرداندن، جریمه کردن، تغییر در چهره، اخم کردن، ادب کردن و مانند آن.

۲. روش تبشیر و انذار^۳ (روش پیش‌آیندی)

یکی از روش‌های رفتاری در حوزه اصلاح و تغییر، روش تبشیر و انذار است. تبشیر و انذار برخلاف تشویق و تنبیه به هدف پیش‌گیری و آینده‌نگری است و بر مبنای «تأثیرگذاری و تأثیرپذیری» و مبنای «هدفمندی» و همچنین بر «شرطی‌سازی پاسخ‌گر» در مکتب رفتارگرایی، مبتنی است که از بشارت و انذار به عنوان محرک‌های پیش‌آیندی به هدف کنترل و تغییر رفتار استفاده می‌شود.

تبشیر به معنای بشارت دادن به نتیجه عمل در آینده است و انذار به معنای هشدار دادن و ترساندن از نتیجه عمل در آینده است؛ بنابراین تبشیر، بشارت دادن به وسیله هدایایی است که به متری و مخاطب بعد از به عهده گرفتن و انجام دادن تکالیف و رفتارهای مطلوب داده می‌شود؛ به همین دلیل روش بشارت، امید را در وجود آدمی ایجاد می‌کند و کشش این امید فرد را برای انجام دادن رفتار و گفتار تربیتی آماده می‌کند. انذار، ابلاغ پیام همراه با ترساندن است (طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ذیل ماده نذر). روش مذکور بر اساس اهداف قبلی و تأثیرپذیری انسان از انواع تقویت‌های منفی و مثبت تأثیر مضاعف روی مخاطب خواهد داشت.

^۳.Evangelism METhods And Warn

اما انذار نوعی اخبار از عواقب ناخوشایند یک رفتار نامطلوب است. در قرآن کریم بشارت در بیشتر موارد همراه با انذار آمده است. بشارت و انذار از روش‌های مهم در حوزه تربیت دینی و از روش‌های تبلیغی و تربیتی انبیاء الهی است: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا (احزاب: ۴۵-۴۶). ای پیامبر به راستی ما تو را شاهد بر امت، مژده‌رسان و بیم‌دهنده فرستادیم و تو را دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی فروزان برای هدایت قرار دادیم. بشارت و انذار پیامبر (ص) همراه با راهنمایی و نشان دادن راه و پیش‌بینی نتایج است (آملی، تفسیر موضوعی، سیره رسول اکرم، ص ۶۳).

قابلیت و آمادگی مخاطب (مخاطب‌شناسی) از شرایط تأثیرگذاری شیوة انذار و دیگر شیوه‌هاست: إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (یس: ۱۱) تو تنها می‌توانی کسانی را بیم‌دهی که از قرآن پیروی کند و از خدای رحمان در نهان بترسد پس او را به آمرزش و پاداشی بی‌کران نوید ده. در سوره فاطر نیز همین معنا آمده است: إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يُحْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ (فاطر: ۱۸). این دو آیه درس بزرگی به ما می‌دهد و آن این‌که نباید در هر جا و هر زمان و بدون توجه به مقتضای حال مخاطب و شناخت آن از هر نوع شیوه‌ای استفاده کرد. به‌طور کلی تبشیر و انذار باید هدف تربیتی داشته باشد. این دو جنبه عمومی دارد و ویژه گروه خاصی نیست. گرچه برای گروه‌هایی مانند کودکان، نوجوانان و جوانان تأثیر بیشتری دارد. با آن‌که انبیاء مبشران هدایت و نجات هستند، ولی از آنجا که دفع ضرر بر جلب منفعت مقدم است و نیاز روحی انسان به انذار بیشتر است در قرآن کلمه نذیر و مشتقاتش از کلمه بشارت بیشتر آمده است (تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۰۹، ذیل ۹۲ انعام).

در زندگی متعارف نیز مشاهده می‌شود که همه افراد برای رفتن به بهشت تلاش نمی‌کنند، بلکه عده‌ای برای ترس از جهنم تلاش مثبت بیشتری دارند؛ از این رو انذار و ترس، نقش پیشگیرانه و تربیتی دارند؛ چنان‌که عده‌ای زیادی برای اطاعت از قانون به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی تن نمی‌دهند؛ بلکه برای ترس از جریمه شدن مالی و حیثیتی قانون را رعایت می‌کنند؛ به همین دلیل در اسلام جزا و جرائم در حوزه عبادات و معاملات آمده است؛ مانند انواع کفارات. فلسفه حدود، دیات و تعزیرات نیز بیشتر برای نقش پیشگیرانه است. در نتیجه می‌توان گفت اخطار همراه با آگاهی دادن نسبت به عواقب کار نقش تربیتی دارد.

۳. روش تغافل^۴

روش تغافل از دیگر روش‌های اصلاح و تغییر است. این روش بر مبنای «هدفمندی» و مبنای «تأثیرگذاری و تأثیرپذیری» و اصول مربوطه مبتنی است. تغافل به معنای بی‌توجهی عمدی به برخی از رفتارها و گفتارهای کودکان، نوجوانان، جوانان و مخاطبان باهدف اصلاح و حفظ شخصیت آنان است. البته این روش همانند دیگر روش‌های تربیتی، حدود، تعریف و شرایطی دارد. با حفظ این حدود، اثر مهم در حوزه تغییر و اصلاح رفتار دارد.

^۴. Thenegligence Method

علی (ع) می‌فرماید: وَعَظُّمُوا أَفْذَارَكُمْ بِالتَّعَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ (بحار، ج ۷۵، ص ۶۴؛ مستدرک، ج ۹، ص ۱۵۹)؛ با بزرگواری، گذشتن از کنار چیزهای کم‌ارزش، قدر و شوکت خود را زیاد کنید.

در حدیثی دیگر چنین آمده است: أُسْكُنُوا عَمَّا سَكَتَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ (الوافی، ج ۱، ص ۱۹۸)؛ خداوند چیزهایی را آشکار نساخته است شما هم با بزرگواری آن را آشکار نسازید. قرآن کریم نیز به این روش فرمان می‌دهد: وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (فرقان، ۷۲)؛ و چون بر ناپسندی بگذرند کریمانه عبور می‌کنند. خداوند در آیه دیگر می‌فرماید: وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (فرقان: ۶۳) و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به فروتنی راه می‌روند و چون جاهلان به ناروا خطاب‌شان کنند، سلام گویند. در حدیثی آمده است: «أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ كَثْرَةُ تَعَافُلِهِ عَمَّا يَعْلَمُ (غررالحکم، ص ۴۵۱). گذشت عالمانه از اخلاق انسان‌های کریم است. زندگی باگذشت از امور ساده و پست، بیشتر روان می‌گردد تا درگیر شدن با هرکس و برای هر چیزی کم‌ارزش.

بنابراین روش تغافل و نادیده گرفتن به معنای بی‌توجهی عاقلانه و روش‌مندانه به حوادث و پدیده‌های موقتی و نابهنجار است. بروز دادن مستمر کاستی‌های متریبان باعث شکستن عزت و خودباوری در آن‌ها می‌شود و یک رفتار ضد تربیتی به شمار می‌رود؛ از این رو نادیده گرفتن عمدی ضعف‌های آنها برای حفظ عزت و خودباوری ضروری است. مربی برای اهداف بزرگ‌تر، حفظ حرمت و عزت متربی و ورود به دنیای ذهنی و روانی مخاطبان و ایجاد تغییرات و اصلاحات در آنان تظاهر به غفلت می‌کند.

۴. روش تنوع و تکرار^۵

یکی از روش‌های تغییر و اصلاح، روش تنوع و تکرار هدفمند است. این روش بر مبنای «تفاوت انسان‌ها در ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها» و مبنای «تأثیرگذاری و تأثیرپذیری» و همچنین بر «تقویت و خاموشی» مبتنی است. انسان به حکم سرشت و طبیعت خود از نوآوری، تنوع و تکرار هدفمند متأثر گردیده و تقویت می‌شود و از یکنواختی ملالت‌آور در هر زمینه‌ای خسته می‌شود؛ زیرا سبب خاموشی، ملالت، نفرت و طغیان می‌گردد. تکرار و تنوع هر دو نقش تربیتی مهم دارد و جمع کردن میان آن دو مشکل است. به همین دلیل شناخت جایگاه استفاده از این دو روش بسیار مهم است.

منظور از تنوع این است که برای تربیت نباید مدام از یک روش و یک نوع تقویت استفاده کرد؛ تنوع طلب هستند و دوست دارند یک مطلب و یک رفتار تربیتی در قالب‌های مختلف و عبارت‌های متفاوت بیان گردد. منظور از تکرار این نیست که پیوسته از یک روش و یک نوع تقویت استفاده شود؛ بلکه می‌شود یک محتوایی تربیتی را با عبارات گوناگون و در چند مرتبه بیان کرد مگر این که در تکرار یک عبارت و یک کلام حکمتی نهفته باشد. این شیوه همان روشی است که در حوزه تجارت، سینما و هنر به خوبی از آن استفاده می‌شود. به گونه‌ای که برای انتقال یک پیام از عناصر مختلف و متنوعی؛ مانند متن، محتوا، عبارت‌های زیبا و متنوع، رنگ، موسیقی، نماها، فضا و مکان مناسب، زمان مناسب و

^۵. Repeat Procedure And Diversity

روش‌های مختلف در قالب شرطی سازی استفاده می‌شود. در همین راستا «قرآن به هدف جلب توجه مخاطبان از پرسش و استفهام، تغییر آهنگ و جمله معترضه استفاده کرده است» (عثمان نجاتی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸).

بنابراین برای انتقال ارزش‌های انسانی و تربیتی گاهی ضرورت دارد مطلب و محتوایی مهم تربیتی به‌طور مکرر در قالب‌ها و روش‌های متنوع بیان گردد و زمانی هم لازم است پیام تربیتی مهم در قالب یک کلام و یک عبارت زیبا و به‌طور مکرر آورده شود. قرآن کریم از هردو مسیر بهره برده است: خداوند در سوره الرحمن عبارت «فبای آلاء ربکما تکذبان» را بیش از ۳۰ بار و عبارت «ویل یومئذ للمکذبین» را در سوره مرسلات، ۱۰ بار تکرار کرده است. در سوره جاثیه، واژه «آیات» را دوازده بار با عبارت‌ها و شکل‌های مختلف تکرار شده است. همچنین تکرار بعضی از جملات، کلمات و حروف ضرورت دارد؛ به همین دلیل از نظر قرآن در تفاوت‌ها، تنوع و تکرار رمزها، اهداف و هدایت‌ها نهفته است.

عنصر زمان در عالم خلقت پدیده‌ای تکراری است؛ اما چون در قالب فصول متنوع و مختلف، ماه‌های متعدد، ساعات متنوع و آب‌وهوای گوناگون و نمود و مظاهر متنوع و جذابی دارد؛ بر زیبایی آن افزوده است. تنوع رنگ‌ها، تنوع در عالم خلقت، پستی و بلندی در آن، تنوع در عالم حشرات، جمادات و حیوانات همه نشانه هدایت و تربیت انسان است و قرآن کریم بر آن تأکید دارد و آن را ابزار هدایت و شدن می‌داند. خداوند تنوع در عالم خلقت را در آیات ۶ تا ۱۰ از سوره «ق» بیان می‌کند: أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ * وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ * تَبَصَّرَةٌ وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ * وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ * وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ (۶-۱۰). در آیات فوق به نوع خلقت و تنوع آن راجع به آسمان‌ها و زیبایی‌های آن و زمین و پدیده‌های زیبا و شگفت‌انگیز در آن مانند کوه‌ها و انواع گیاهان زیبا اشاره کرده است؛ و در آیه ۱۵ سوره محمد و آیات دیگر نیز این تنوع بیان گردیده است. یکی از فلسفه‌های تنوع و تفاوت در روش‌ها تفاوت افراد و تنوع آنان در سطح درک، اندیشه و اختلاف عصرها و زمان‌هاست. افراد در سلیقه‌ها تفاوت دارند. تنوع سبب جذب و علاقه‌ای بیشتر می‌شود؛ به همین دلیل قرآن کریم از طرق مختلفی برای هدایت استفاده کرده است (مطهری، ۱۳۸۳، ده گفتار، ص ۲۰۴ و ۲۰۵).

علت تفاوت و تنوع در معجزات انبیای الهی، تفاوت و اختلاف عصر و زمان است. ممکن است روشی در یک زمان به دلایلی مؤثر باشد؛ اما در عصر دیگری و با دلائلی دیگر تأثیر نداشته باشد.

ابن سکیت از ادبای معروف زمان امام هادی (ع) است. وی از امام دلیل اختلاف انبیا، آیت، وسیله و معجزات‌شان را می‌پرسد؟ امام (ع) فرمود: به واسطه اختلاف عصر و زمان‌هاست. تفکر حاکم در زمان موسی (ع) سحر و جادو بود و معجزه آن حضرت، شبیه عملیات آنها بود؛ اما از آنها کذب و از موسی (ع) حقیقت داشت. طبابت بعضی از اطباء در زمان عیسی (ع) مردم را به حیرت انداخته بود؛ به همین دلیل، معجزه آن حضرت، شفای مریض‌ها بود. عصر پیامبر خدا (ع) عصر سخن و کلام بود؛ از این رو، معجزه آن حضرت، قرآن کریم با فصاحت و بلاغت ویژه است. پس علت اختلاف ابزار هدایت، تفاوت در عصر و زمان است (مطهری، ۸۳، ص ۲۰۷). گذشت زمان بر همه چیز تأثیرگذار است. عنصر زمان حتی در اجتهاد و فتاوا نیز نقش مهمی دارد و در نحوه استفاده از یک روش و کیفیت بیان حقیقتی نیز تأثیرگذار است؛ چنان‌که

سطح درک مخاطب نیز تأثیر دارد؛ یعنی مطلبی را که می شود با یک روش برای نخبگان و دانشمندان بیان کرد، نمی شود آن را با همان سبک و کیفیت برای کودکان، نوجوانان و جوانان بیان کرد؛ بنابراین روش های هدایت، متعدد، متنوع و انعطاف پذیر است. از این رو جمود بر روش های سنتی، تحمیلی و ناکارآمد سبب واگرایی مخاطب می شود.

۵. روش الگویی^۶

یکی از روش های تربیتی، روش الگویی است. این روش بر مبنای «اجتماعی بودن انسان» و «تأثیرگذاری و تأثیرپذیری» و «کمال جویی» و اصول مرتبط با آن مبتنی است. افراد به حکم سرشت و خلقت الهی خویش مدام در ارتباط با دیگران و پیوسته تأثیرگذار و تأثیرپذیرند. افراد پیام های درونی خویش را از طریق نشانگرهای کلامی و غیرکلامی، مانند حرکات، سکنت، تمامی رفتارها و حتی سکوت خود به دیگران منتقل می کنند. کودکان در این میان بخصوص کودکان ممیز، نوجوانان و جوانان، بیشتر تابع امور عینی و محسوس هستند و روحیه تقلید نیز در آنان بسیار فعال است؛ به همین دلیل از دیگران یعنی اشخاص در همه بخش های زندگی تأثیر می پذیرند. الگوهای عینی از ابزارهای مفید برای اصلاح و تغییر رفتار است؛ زیرا الگوها با عینیت بخشیدن به آرمان ها، گفته ها و عملیاتی کردن شعارهای خود سبب تقویت اعتماد مراجعان و ایجاد انگیزش در مخاطبان می شود و به این ترتیب تمامی ابعاد وجودی مقلدان خود را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین همه انسان ها در همه مراحل زندگی به ویژه کودکان ممیز، نوجوانان و جوانان به طور سرشتی و طبیعی تحت تأثیر افکار، عقاید، گفتار و رفتار دیگران (محیط انسانی و طبیعی) قرار می گیرند. انسان ها تلاش می کنند از انسان های نمونه، سرمشق و تأثیرگذار در هر زمینه ای الگوبرداری کنند و به همین دلیل در زمینه های مختلف هنری، ورزشی، مذهبی، سیاسی و مانند آن پیرو آنها می شوند و در موارد زیادی، توضیحی برای تقلید و اطاعت خویش هم ندارند. آموزه های دینی به دلیل همین حقیقت به روش الگویی توجهی ویژه دارد و تلاش دارد تا الگوهای مطلوب را شناسایی کند و افراد را به اطاعت از این الگوها فراخواند و همچنان تلاش دارند الگوهای منفی و ملاک های آن را تبیین و از اطاعت آنان نهی کند. روش الگویی - مشاهده ای روش القای غیرمستقیم است. به گونه ای که بامشاهده الگو به طور ناخودآگاه از انسان و شخصیت الگو تأثیر می پذیرد. تعلیم و تربیت از راه الگو و سرمشق مورد تأیید تحلیل های منطقی، عقلانی و قرآن است (مکارم، پیام قرآن، نبوت خاصه، ج ۸، ص ۴۹).

فلسفه و حکمت تأثیرگذاری این روش در آن است که تربیت انسان بیش از آن که علمی باشد، جنبه عملی دارد و مربی در صورتی در کار خود موفق می شود که افزون بر آموزش های لازم بتواند الگوی کاملی برای تعلیمات خود باشد و با رفتار و اخلاق خود تمام مسائل تربیتی را نشان دهد؛ چون در وجود انسان روحیه ای به نام محاکات وجود دارد؛ یعنی مسائلی را که در هم جنسان خود می بیند ناخودآگاه به سوی آن جلب می شود. البته این کشش و جذب در حد انگیزه است نه اجبار، مانند تشنگی که زمینه ساز است (مکارم، نبوت خاصه، ج ۸، ص ۴۹).

^۶. Apattern Method

با دقت در باب نیازهای روحی و روانی مراجعان و متریبیان به‌ویژه کودکان ممیز، نوجوانان و جوانان معلوم می‌شود یکی از نیازهای افراد در زمینه‌های مختلف زندگی بخصوص در باب تربیت دینی، داشتن الگو است؛ به همین دلیل در تفسیر نور می‌نویسد: انسان به الگو نیاز دارد و الگوها در رشد و سازندگی انسان نقش دارد (قرائتی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۵۱). در قرآن کریم از این روش مکرر استفاده شده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱)؛ یقیناً برای شما در روش و رفتار پیامبر خدا (ص) الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند.

در ارتباط با الگو بودن حضرت ابراهیم آمده است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ... إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ» آیه کریمه می‌فرماید: ابراهیم خلیل و همراهانش الگوی جهانیان است؛ جز گفته‌ی او به پدرخوانده‌ی خود که برای او آمرزش خواست یعنی در این مورد و رفتار خاص نمی‌تواند الگو باشد؛ بنابراین در انتخاب الگو دقت شود و این که ممکن است کسی در یک یا چند زمینه الگو باشد نه به‌طور مطلق (ممتحنة: ۴).

در آیه ۳۵ سورة احقاف به الگوگیری دستور داده است: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ لَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ»؛ پایداری کن همان‌گونه که پیامبران اولوالعزم پایداری کردند و برای آنان در نزول عذاب شتاب مکن. ذیل آیه می‌گوید: در مؤاخذه آنان شتاب مکن. از این ذیل دو نکته استفاده می‌شود؛ یکی این که اصل در اسلام، عفو، تغافل و گذشت از کوتاهی و قصور است نه بر تعجیل و شتاب عقاب. دوم این که پیامبران نیز به الگو نیازمندند. خلاصه؛ یکی از روش‌های تأثیرگذار در حوزه اصلاح و تغییر، روش الگویی است (الگوی عملی). «نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که الگوی اجرایی تأثیر بسیار شدیدی از الگوی گفتاری برجای می‌گذارد (بیرهوف، هانس ورنر، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵).

۶. شیوه تغییر موقعیت^۷

روش تغییر موقعیت از دیگر روش‌های اصلاح و تغییر است. این روش بر «مختار بودن انسان» و مبنای «تأثیرگذاری و تأثیرپذیری» و «هدفمندی» و اصول مذکور مبتنی است. انسان‌ها مدام متأثر از وضعیت مختلف زمانی، مکانی، اجتماعی و محیطی (محیط طبیعی و انسانی) و پیوسته در معرض عناصر تأثیرگذار هستند؛ یعنی افراد با این مؤلفه‌ها و عناصر زندگی می‌کنند و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند و نیز تأثیر می‌پذیرند. این تأثیرگذاری بیشتر عمدی و هدف‌دار است. افراد با اختیار خود می‌توانند محل زیست خود را تعیین و در رابطه خود با پدیده‌های تأثیرگذار تجدیدنظر کنند.

کیفیات‌هوا از منظر ابن‌خلدون (۷۳۲-۸۰۸ ق) نیز در اخلاق آدمی تأثیرگذار است (مقدمه ابن‌خلدون، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۸). از این رو، تأثیر فراوانی نعمت و آسایش زندگی در وضع بدن و حتی کیفیت دین و عبادت هم نمودار می‌شود؛ چنان که می‌بینیم بادیه‌نشینان و هم شهرنشینان که در مضیقه‌اند و در معرض خشونت قرار دارند به گر سنگی عادت می‌کنند و از شهوات و خوش‌گذرانی‌ها دوری می‌جویند. این‌ها نسبت به کسانی که غرق ناز و نعمت‌اند، دین‌دارتر هستند و به عبادت بیشتر روی می‌آورند؛ بلکه مشاهده می‌کنیم اهل دین در شهرها و اماکن پرجمعیت اندک‌اند

^۷. How to Change Position

و به همین سبب، پارسیان به‌ویژه از میان بادیه‌نشینانی برمی‌خیزند که از حیث غذا در مضیقه باشند و از انواع ناز و تنعم محروم‌اند (ابن‌خلدون، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳).

برای بسترسازی تربیت مطلوب ضرورت دارد رابطه انسان با این پدیده‌ها به شکل منطقی تنظیم گردد تا از این امور که ابزار هدایت است، حداکثر بهره‌برداری شود و انسان فقط پیرو عناصر و فرزندان حوادث (ابناء الحوادث) نباشد. بعضی افراد دنباله‌رو حوادث‌اند و طوفان حوادث به هرجایی که بخواهد آنان را می‌برد. این نوع نگاه جبرگرایانه است. درحالی‌که می‌شود روابط انسان با پدیده‌های مجاور را تعدیل کرد و دیدگاه انسان از این امور را تغییر داد تا این پدیده‌ها به عنوان عوامل تهدید و جبر تلقی نگردد؛ از این‌رو نباید مستقیماً سراغ متربی یا رفتار، رفت؛ بلکه گاهی ضرورت دارد رابطه انسان با موقعیت محل و پدیده‌های مضر تغییر کند؛ به همین سبب، ایجاد تغییر در روابط انسان با پدیده‌ها و نیز در روش‌های تربیت، تأثیر مهم دارد.

به‌عنوان مثال: یکی از این مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در تشکیل شخصیت انسان محیطی (انسانی و طبیعی) پدیده مکان است که وی در آن پرورش می‌یابد. پاکی و ناپاکی محیط عامل تعیین‌کننده است (حمید، محمدقاسمی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). عده‌ای به دلیل اهمیت و تأثیر محیط (مکان زندگی و آموزش) در قیامت، انحرافات و کجروی خود را به محیط فاسد نسبت می‌دهند؛ اما قرآن پاسخ دندان‌شکن می‌دهد: *إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا* (نساء، ۹۷). قطعاً کسانی که [باترک هجرت و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] برخویش ستم کردند، زمانی که فرشتگان الهی از آنان درباره زندگی و دین داری آنان می‌پرسند در جواب می‌گویند ما در زمین مستضعف بودیم. به آنان گفته می‌شود آیا زمین خدا پهناور نبود؟ تا در آن مهاجرت (تغییر موقعیت) و از محیط شرک آلود و فاسد به محیط پاک مهاجرت می‌کردید؟ به همین سبب، جایگاه این‌گونه افراد دوزخ است که مدام دنباله روی حوادث و اسیر خودخواسته‌ی محیط‌اند.

خداوند در آیه ۹۸ سوره نساء می‌فرماید: مگر کسانی که توان مهاجرت را نداشته باشد؛ مانند پیرمردان، زنان، کودکانه مستضعف. در آیه دیگر فواید مادی و معنوی مهاجرت و تغییر موقعیت را بیان می‌کند: *«وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا* و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین سرپناهی فراوان و گشایشی در کار می‌یابد و اگر مرگ او را در یابد قطعاً پادشاه و بر عهده خدا است (نساء: ۱۰۰). البته در ترک کردن یک محیط آلوده و انتخاب محیط دیگر لازم نیست به مکان‌های بسیار غریب و دور مهاجرت کند. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که برای حفظ آیین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر - اگرچه به اندازه یک وجب فاصله داشته باشد - مهاجرت کند، مستحق بهشت می‌گردد. همچنین محمد (ص) و ابراهیم (ع) دو پیامبر بزرگ مهاجراند (تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۱). هجرت [و تغییر موقعیت] حضرت موسی (ع) برای حفظ ایمان و هجرت خضر برای تحصیل دانش و هجرت ذوالقرنین برای نجات محرومان بود (تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۳۴).

جالب است که عده‌ای از مهاجران بزرگ اسلام، جوانان بوده است؛ مانند حضرت ابراهیم و موسی و اصحاب کهف و مانند آنها؛ زیرا بر اساس آیه قبل، هجرت (تغییر موقعیت) شعاع وجود آدمی را گسترش می‌دهد و باعث ازدیاد رزق و روزی، اجرو پاداش معنوی و حفظ دین، اصلاح و تغییر و تربیت می‌گردد.

نقش مکان در اصلاح و فساد تاحدی است که خداوند می‌فرماید: من لوط پیامبر را از محیط آلوده نجات دادم؛ زیرا اهل آن قریه گرفتار اعمال و رفتار منفی بودند: **وَ لُوطًا أَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ** (انبیاء: ۷۴).

بنابراین تغییر موقعیت از یک محله به محله دیگر و از یک سرزمین به سرزمین دیگر سبب تغییر در ساخت شناختی، تحریک احساسات، عواطف و تغییر در رفتار، صفات و حالات جسمی و روانی می‌شود. تغییر موقعیت، برنامه‌عملی برای تربیت است؛ یعنی گاهی موقعیت به گونه‌ای می‌شود که ناچاریم برای تربیت مخاطبان (کودکان، کودکان ممیز، نوجوانان و جوانان)، منطقه و محل زندگی را ترک کنیم و به محل دیگر برویم؛ چرا که این مکان آلوده و فاسد است و همسالان و دوستانی وجود دارند که بودن در آن مکان و همراهی با آن افراد سبب انحراف اخلاقی و تربیتی می‌گردد.

عنصر زمان از دیگر عناصر و شرایط تأثیرگذار در زندگی است. مربیان تربیتی، مبلغان و کارگزاران آموزشی تلاش می‌کنند تا بهترین زمان را برای اجرای بهترین برنامه‌های تربیتی اختصاص دهند؛ اما زمان‌های مُرده و خنثی برای تربیت، آسیب‌رسان است. زمان‌های که متربی و مخاطب، اقبال و علاقه‌ای برای تربیت ندارند اصرار بر آن مضر است. متأسفانه درس‌های اخلاق و تربیت در نظام سنتی جزو دروس فوق برنامه به حساب می‌آید و ساعات خنثی و مرده را به دروس اخلاق و تربیت اختصاص می‌دهند. استادان در این زمینه نیز به وضعیت رشد و ویژگی‌های کودکان، کودکان ممیز، نوجوانان و جوانان و دیگر مخاطبان آگاه نیستند. تناسب سنی میان استاد و شاگرد رعایت نمی‌شود. در حالی که افراد به طور طبیعی از همسالان خود بیشتر تأثیر می‌پذیرند. افراد آگاه و خبره برای تربیت دینی ضرورت دارد؛ زیرا در زمان اندک (زمان زنده و طلایی) با عبارات ساده و فضای مناسب، روشمند و با استفاده از تکنولوژی آموزشی و در سطح درک مخاطبان، مطالب مفید و مبتلا به در حوزه عقاید، اخلاق، ارتباطات، رسانه، همسالان، ازدواج و مانند اینها بیان می‌گردد. باید توجه مخاطبان را به موقعیت‌های ویژه زمانی و مکانی جلب کرد؛ زیرا میزان بهره‌برداری و ایجاد حالات و رفتارهای تربیتی و درونی ساختن این حالات در این گونه از موقعیت‌ها چشم‌گیرتر است.

از جمله این زمان‌ها و ساعت‌ها، زمان عبادات، دعاها و انجام دادن فرایض دینی در مکان‌های مقدس است؛ از این رو، وجود دستورهای عملی دینی و فرایض اسلامی یکی از روش‌های تربیتی در اسلام است.

عنصر فرهنگ، دیگر مؤلفه‌ی تربیت است. اگر در جامعه فرهنگ حاکم فاسد و متون و محتوایی آموزشی در تقابل با دین باشد، تربیت دینی مشکل‌تر است و تلاش مضاعف می‌خواهد؛ به همین سبب ضرورت دارد به کودکان، نوجوانان و

جوانان مؤلفه‌های فرهنگ و عناصر آن در سطح درک آنان توضیح داده شود تا آنان بدانند کدام عنصر، خودی و مفید و کدام عنصر، مضر است؛ از این رو، روابط نامطلوب فرهنگی بر تربیت دینی تأثیر سوء دارد و باید اصلاح گردد. یکی از مصادیق فرهنگ رسانه‌ها است. تأثیر رسانه بر اندیشه، عواطف و رفتار انکارناپذیر است؛ به همین سبب، اصلاحات در تغییر رابطه افراد با رسانه‌ها و نحوه استفاده از آن جزء فرایند تربیت است، نه حذف رسانه که در امروزه در حکم محالات است؛ زیرا رسانه فواید بی شماری مثبت هم دارد. همچنین ایجاد اصلاحات در روابط اجتماعی و اقتصادی جز فرایند تربیت شمرده می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت اگر تلاش برای ایجاد تغییر در این موارد و مانند آن صورت نگیرد فرایند تربیت با مشکل مواجه می‌گردد.

۷. روش تأمین صحیح نیازها^۸

یکی از روش‌های اصلاح و تغییر از دیدگاه اسلام، روش تأمین صحیح نیازهای انسان است. این روش بر مبنای «دو بعدی بودن انسان» و «شرطی سازی کلاسیک» و «مسئولیت پذیری» و اصول مربوطه مبتنی است. مبنای دو بعدی بودن می‌طلبد تا به نیازهای هر دو بعد توجه کرد چنان که مبنای مسئولیت مندی نیز به مربیان می‌گوید تا این نیازها را شناسایی کرده و به آن پاسخ‌گویند. براساس شرطی سازی کلاسیک^۹ نیز بعضی از عناصر تأثیرگذار بر زندگی از قبیل خوراک، پوشاک، احترام و مانند آن، به عنوان محرک‌های پیشایند عمل می‌کند. خروجی همه اینها این است که رفع نیازهای مادی مانند رفع نیازهای معنوی از دستورات دین است؛ چرا که «عقل، دین، دنیا و آخرت از دیدگاه اسلام، مکمل هم هستند؛ از این رو، این اعتقاد که فلسفه تکلیف الهی برای بندگان فقط فراهم ساختن آخرت آباد و اشتغال به امور دنیوی سبب غفلت از کار آخرت است، اندیشه‌ای نادرست است و از تفکر جدایی دنیا از آخرت و تفکیک عقل از دین ناشی است. در حالی که غرض از تکلیف دینی اصلاح و آبادانی دنیا و آخرت است (آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۴-۲۴۶).

در نتیجه یکی از مقدمات و پیش زمینه عملی برای تربیت اسلامی از نظر مبانی روان‌شناختی و آموزه‌های اسلامی تأمین صحیح نیازهای افراد است. «قبل از پرداختن به تربیت و اصلاح باید به تأمین نیازهای اساسی و زیستی معقول متربی بپردازد (حمید، محمد قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۸۷)؛ زیرا اساساً تأمین نشدن نیازهای اساسی (بدنی و روانی) افراد، سبب پیدایش تشویش و اضطراب در آنها می‌شود. پاره‌ای از نیازها برای تمام بشر حیاتی است و تأمین نشدن این نیازها در بهداشت بدنی و روانی افراد تأثیر زیادی دارد (شریعت‌مداری، ۱۳۸۵، ص ۲۵۱).

باید توجه کرد که برخلاف دیدگاه افراد سطحی نگر، نیاز انسان تنها نیاز مادی نیست؛ بلکه نیاز انسان به دلیل جایگاه، فطرت و خلقت آن فراتر از امور مادی است.

خداوند به همین سبب در آیات ۳-۴ سورة قریش، بندگان را به عبادت دعوت و پس از آن نعمت‌هایی مانند تأمین طعام و امنیت آنان را یادآوری می‌کند: «فَلْيُعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ؛ پس باید پروردگار این خانه را پرستید؛ پروردگاری که آنان را از گرسنگی نجات داد و از بیم ترس دشمن ایمنی بخشید. خداوند در

^۸. Appropriate Supply Method

جای دیگری از قرآن می‌فرماید: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَانْتَقُوا إِلَهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مائده: ۸۸)؛ از نعمت‌های حلال بخورید که خدا روزی شما فرموده است و از خدایی پروا کنید که به او ایمان آورده‌اید. آیات ۱۷۲ سوره بقره و ۵۱ سوره مؤمنون نیز بر این مطلب دلالت دارد.

قرآن در آیه ۵۸ بقره می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ». در این آیه ابتدا به نیاز مادی توجه شده است و سپس نیاز متعالی آمده است. حضرت ابراهیم نیز در دعای خویش برای ذریه‌اش ابتدا به نیاز ابتدایی می‌پردازد: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ» (بقره: ۱۲۶). آیه، امنیت «فیزیکی و روانی» و مواد خوارکی و مایحتاج زندگی را قبل از توحید و معاد آورده است.

قرآن کریم می‌فرماید: رهبران معنوی و الهی نیز مانند دیگران هستند؛ یعنی آنان نیز به خوراک، خواب، امنیت و مانند آن نیاز دارند و یکی از دلایل هجرت پیامبران بزرگ نیز همین نکته است: «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الدُّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ * وَ مَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ مَا كَانُوا خَالِدِينَ» پیش از تو برای هدایت افراد، مردانی را فرستادیم که از جنس خود بشر بودند نه فرشته. اگر نمی‌دانید از دانایان بپرسید و آنان را بدن‌هایی قرار ندادیم که غذا نخورند و آنها عمر ابدی و جاویدان هم نداشتند (انبیاء: ۷-۸).

برادران حضرت یوسف طبق دستور پدر وظیفه داشتند تا ابتدایه جستجوی آن حضرت بپردازند؛ اما آنها ابتدا به دنبال جستجوی مواد غذایی رفتند و از پادشاه راه حل این مسئله را درخواست کردند و حضرت یعقوب نبی نیز براین کارشان آنان را سرزنش نکرد (یوسف: ۱۸۸).

رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: خدایا برای ما در نان برکت عطا فرما؛ زیرا اگر نان نباشد نه نماز می‌خوانیم و نه روزه می‌گیریم و نه واجبات پروردگارمان را ادا می‌کنیم (کافی، ج ۶، ص ۲۸۷). قرآن در آیه ۱۱۲ سوره نحل، سه ویژگی برای منطقه بابرکت بیان می‌دارد: «وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ».

۱. امنیت؛

۲. اطمینان به ادامه بقا و زندگی در آن؛

۳. جلب روزی و مواد غذایی (تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۳۳).

بنابراین یکی از روش‌های عملی برای تربیت دینی تأمین صحیح نیازهاست. این نیازها اعم از نیازهای مادی و معنوی است و به راهنمایی و هدایت خانواده، مدرسه، مربیان و کارگزاران فرهنگی و تربیتی نیاز دارد.

۸. روش معکوس کردن عادت^۹

یکی دیگر از روش‌ها و برنامه‌های عملی برای تربیت دینی، روش معکوس کردن عادت است (میلتن برگر، ۱۳۸۸، ص ۲۱۳). این روش بر مبنای «وجود موانع و اختلالات در راه رسیدن به کمال انسان» و «تقویت تفکیکی رفتار ناهم‌ساز»

^۹. Reverse Habbit Method

مبتنی است. پدیده‌هایی؛ مانند عادت‌های منفی و عصبی و امثال آن، گاهی فرایند اصلاح و تغییر را با اختلال مواجه می‌سازد. چنان‌که طبق تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز» نیز رفتار مغایر با رفتار آماج تقویت می‌شود. منظور از این روش جای‌گزین کردن پاسخ مثبتی مغایر به جای یک عادت، رفتار و گفتار ناپسند و سلبی است.

انسان‌ها با یک سلسله عادت‌ها زندگی می‌کنند و این عادت‌ها مخلوطی از عادت‌های خوب و نابهنجارند؛ از این رویکی از شیوه‌های تربیت دینی عادت دادن افراد به عادت‌های مفید (روش جایگزینی) است.

عادت در لغت به معنای خوی و در اصطلاح، گفتار و یا رفتاری است که به مرور زمان و بر اثر تکرار مورد قبول و خوشایند طبع افراد قرارگیرد. به گونه‌ای که ترک آن دشوار باشد. عادت‌ها در انسان حالت روانی و عاطفی خاصی ایجاد می‌کنند که به مرور زمان با آماده شدن زمینه و موقعیت به مقدمات نیاز نیست؛ بلکه به گونه اتوماتیک آن صفت یا رفتار از انسان صادر می‌شود. همان‌گونه که عادت به رفتار و گفتاری ناپسند زمان بر است، عادت دادن به هنجارهای مطلوب نیز زمان‌بر است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: فَإِذَا عَوَّدْتَ نَفْسَكَ عَمَلًا فَدُمَ عَلَيْهِ سَنَةً (معجم بحار، ماده عَوَّدَ)؛ وقتی خود را به انجام دادن عملی عادت دادی برای استحکام آن تا یک سال ادامه بده. معمولاً افراد در برابر تغییر، مقاومت میکنند؛ به همین سبب، ایجاد عادت توأم با استمرار، صبر و تحمل است؛ چنان‌که قبلاً یادآوری گردید این روش‌ها هم‌پوشانی نیز دارد. میان اینها نمی‌شود حد و مرزی تعیین کرد؛ بلکه تقسیم‌بندی بر اساس و ملاک اغلیت است؛ مثلاً روش عادت معمولاً روش عملی و رفتاری است؛ اما شناخت و عواطف نیز در ایجاد عادت سهم دارد.

انسان‌ها با عادات زندگی می‌کنند؛ یعنی به مرور آن خوی‌ها و خصلت‌ها را درونی می‌سازند و ترک کردن آن نیز آسان نیست. باید تلاش گردد تا محتوایی این عادت‌ها منطقی و دینی باشد. علی (ع) می‌فرماید: «رَوِّضُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ» (تحف العقول، ص ۱۱۱). خویشتن را بر اخلاق نیکو عادت دهید.

«میلتن برگر» فهرستی از عادت‌های منفی را ارائه داده است که افراد به آن گرفتار می‌شوند. می‌توان این فهرست را بویژه در موضوع این پژوهش کامل‌تر کرد. این پژوهش در مقام توصیف روش‌های اصلاح و تغییر در رفتارهای آشفته و مسئله دار است و عده‌ای به دلائلی معلوم و نامعلوم گرفتار بخشی از این عادت‌های ناخواسته و نامطلوب‌اند.

بنابراین روش معکوس کردن عادت (زیر مجموعه روش رفتاری عادت) در واقع روش جایگزین کردن است؛ زیرا صرف نهی کردن و نه گفتن در برابر هر چیزی نتیجه‌ای جز شعله ور کردن روحیه طغیان‌گری به همراه ندارد. شناسایی جایگزین منطقی و آسان از مقدمات و پیش نیازهای ایجاد عادت مثبت در گام اول است. به گونه‌ای که قابل تحمل باشد و هزینه بر نباشد؛ اما جایگزین‌های سخت و طاقت فرسا زمینه ساز فرافکنی و فرار از مسئولیت می‌شود.

۹. روش سالم سازی محیط^{۱۰}

روش سالم سازی محیط از دیگر روش های اصلاح و تغییر است. این روش بر مبنای «مختار بودن و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری انسان» و مبنای «هدف مندی» است. یکی از ویژگی های انسان تأثیرپذیری از موقعیت محیطی اعم از زمانی، مکانی و اجتماعی است. به بیان دیگر، انسان هم از حیث ظاهر و هم از حیث باطن تحت تأثیر وضعیت محیطی قرار دارد که او را احاطه کرده است. همچنین انسان خود را در برابر تأثیرات محیط مجبور نمی داند و بر مبنای هدف مندی تلاش می کند تا محیط را سالم سازد. براین اساس برای زدودن پاره ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان باید به دستکاری وضعیت محیط او برخاست؛ از این رو برای ایجاد تغییرات مثبت باید به بافت، وضعیت و موقعیت نیز توجه کرد و هجوم بردن به خود شخص بی حاصل است و مارا به بن بست می کشاند (باقری، ۱۳۷۸، ص ۹۵).

در نتیجه یکی از روش های عملی برای ایجاد تغییر و تربیت، روش سالم سازی محیط (محیط طبیعی و انسانی) است. در روش تغییر موقعیت راجع به ارتباط انسان با محیط اشاره گردید؛ اما به دلیل اهمیت مسئله و نقش مهم محیط بر تربیت در اینجا بانگاه دیگر این حقیقت تبیین می شود.

روش تغییر موقعیت بیشتر یک روش انفعالی است. اگر ضرورت اقتضا کرد و ما توانایی تغییر محیط را نداشتیم، مکان تحصیل، آموزش و زندگی فرزند خویش را تغییر می دهیم. روش سالم سازی محیط روش فعال است؛ یعنی ما منتظر تغییر، توسط دیگران نیستیم؛ بلکه خود فرد به دنبال از بین بردن مظاهر شرک، نفاق، آلودگی و فساد است.

نقش محیط در تربیت بسیار مهم است؛ به همین دلیل، خداوند در آیه ۵۸ سوره اعراف، نقش محیط را در قالب تمثیل به تصویر می کشد و می فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ». در این آیه، انسان ها به گیاه و محیط زندگی به زمین شوره زار و شیرین تشبیه شده است. در محیط آلوده تغییر و اصلاح رفتار مشکل است؛ چنان که قطرات باران هرگز نمی تواند در زمین شوره زار گل و سنبل برویاند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۳۸).

یکی از روش های آموزش و یادگیری، روش مشاهده ای است. افراد به طور معمول بسیاری از نکات زندگی، ارزش ها و ضد ارزش ها را با مشاهده آنها یاد می گیرند؛ یعنی در دسترس بودن پدیده ای و مشاهده آن بر ساخت شناختی، عواطف و رفتار انسان تأثیر می گذارد. به ویژه اگر در مکان و انظار عمومی باشد، این تأثیرگذاری مضاعف می گردد؛ مثلاً در دسترس بودن و مشاهده فیلم فاسدی در مکان عمومی و در کلاس درس تأثیرات مضاعف دارد؛ چنان که مشاهده یک اثر هنری مثبت در جمع نیز چنین تأثیری دارد.

در روش انفعالی، تلاش می کنیم از این محیط خارج گردیم؛ اما در روش فعال، مظهر فساد را از بین می بریم. البته از بین بردن مظهر فساد، مانند سایت آلوده، مکان آلوده و جز اینها از خود آداب و شرایطی دارد؛ یعنی هر کسی حق ندارد این کار را انجام بدهد؛ زیرا نتیجه این اقدام جاهلانه و احساسی بسیار مخرب تر از اقدام نکردن است. بر اساس همین ملاک است که ابراهیم خلیل (ع) در موقعیت ویژه و اهداف از پیش تعیین شده و با حکمت و منطق، بت ها و مظاهر شرک را به منظور

هدف بیداری عقل و شعور اجتماعی مردم از بین برد. آن حضرت تبر را به گردن بت بزرگ قرارداد و با این کار خویش در ذهن افراد نادان و غافل سؤال ایجاد کرد؛ به همین سبب قرآن این داستان را در سوره انبیاء به تفصیل می‌آورد.

حضرت ابراهیم در ابتدا از پدر خوانده یا عموی خویش و قوم خود می‌پرسد: برای چه این مجسمه‌های بی‌جان و بی‌خاصیت را پرستش می‌کنید؟ آنها در جواب گفتند: به پیروی از پدران و عادات آنها این رویه را ادامه می‌دهیم. آن حضرت فرمود: شما در گمراهی آشکاری هستید. آنان گفتند: این حرف شما یک شوخی و یا حقیقت است؟ فرمود: شوخی نمی‌کنم؛ زیرا خدای واقعی شما آن کسی است که خالق آسمان و زمین است؛ خدای که خالق هستی است و آن را مدیریت می‌کند. بعد فرمود: من درباره این اشیای بی‌خاصیت، تدبیری خواهم داشت؛ یعنی کار حضرت ابراهیم، صرف از بین بردن مظهر فساد نبود؛ بلکه شیوه تربیتی بود و آن، شیوه رفتاری، عینی، ساده، همه فهم، به هدف سالم سازی محیط و با ارائه جایگزین و همراه با تدبیر و عقلانیت بود.

نکته‌های آموزنده از شیوه رفتاری حضرت ابراهیم؛

یک) روش تربیتی باید بر اهداف قلبی، مبانی و اصول تربیتی و همراه با تدبیر و زمینه سازی فکری و بینشی مبتنی باشد؛ به همین دلیل، واژه «مُدرِّبِین» به کار رفته است؛ یعنی حضرت ابراهیم موقعیت و زمان را مدیریت کرد. هدف آن حضرت، ایجاد تغییر در رفتار، شناخت و عواطف این‌ها بود؛ زیرا صرف برخورد حذف گرایانه مساوی با گرفتن نتایج نیست و گاهی نتیجه معکوس می‌دهد. در نتیجه باید در پشت هر طرحی؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر، اهداف متعالی، عاقلانه و مناسبی نیز باشد و اگر افراد را از منکری باز می‌داریم معروفی را بتوان به جای آن معرفی کرد.

دو) نحوه اجرای یک روش اصلاحی و تربیتی برای خودش آداب، مقتضیات و موقعیت‌هایی دارد؛ از این رو، ابراهیم (ع) همه بت‌ها را نشکست؛ بلکه بت بزرگ را نگه داشت؛ زیرا این بت در نگاه آنان سمبل قدرت و توانایی بیشتری بود و به عنوان مرجع و پناهگاه مطرح بوده است و معمولاً برای درک توانایی بت‌ها به آن مراجعه می‌گردد. بت پرستان با مشاهده این وضعیت با شگفتی پرسیدند چه کسی این کار را کرده باشد؟ در پاسخ گفتند: ماجوانی را می‌شناسیم که معروف به ابراهیم است و مدام از خدایان ما به عنوان عناصر بی‌خاصیت یاد می‌کرد. از آیه ۶۰ سوره انبیا استفاده می‌شود که عده‌ای از بزرگ‌ترین پیامبران الهی از رده سنی جوانان بوده‌اند. در این آیه کلمه «فَتَى» به کار رفته است. این کلمه که به معنای شخص جوان است و جوانی دوره حساس و نقطه عطفی در تاریخ زندگی انسان است و از ویژگی‌های دوره جوانی داشتن قدرت بدنی و اجرایی است و برای اجرایی‌روشی؛ مانند روش سالم سازی محیط از مظاهر فسق و فجور، قدرت و جسارت لازم است. به همین سبب، داشتن نسل جوان فعال به عنوان سرمایه‌ای برای هر کشور و ملتی ضرورت دارد. در علم اقتصاد نظریه سرمایه انسانی به همین نکته اشاره دارد.

مشركان دستور دادند تا ابراهيم (ع) را حاضر كنند. از وی پرسیدند: شما این کار را مرتکب شده‌اید؟ ابراهیم 7 پاسخی داد که در ذهن آنان سؤالی خلق گردید. آن حضرت در پاسخ آنان فرمود این کار را بت بزرگ انجام داده است و بهتر است از او بپرسید اگر توانایی سخن گفتن داشته باشد؟! با این جواب و این شیوه آنان به وجدان و نفس خویش مراجعه نمودند.

به این ترتیب، اصلاح و تغییر در اندیشه (رفتار درونی) آنان ایجاد شد و در نتیجه متوجه خطا و انحراف خویش گردیدند: **فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ** (انبیاء: ۶۴). پس به خویشتن بازگشتند و به یکدیگر گفتند در حقیقت شما خودتان ستمکارید. **ثُمَّ نَكُسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ يَتَّبِعُونَ** سپس سر افکنده شدند و گفتند تو خوب می‌دانی که اینها سخن نمی‌گویند (انبیاء: ۶۵).

اهمیت این روش بدان دلیل است که گاهی مشاهدهٔ سمبل‌های فساد و انحراف و یا امکان دسترسی به این منابع ثمرهٔ سال‌ها تلاش تربیتی را از بین می‌برد. حضرت موسی سال‌ها برای هدایت قوم بنی اسرائیل تلاش کرد؛ اما قوم آن حضرت در حین عبور، سمبول‌ها و مظاهر شرک (بت‌ها) را دیدند گروهی بت‌پرست در برابر این بت‌ها خضوع و کرنش می‌کردند، تحت تأثیر قرار گرفتند و از حضرت موسی درخواست کردند تا چنین بت‌هایی را در اختیار آنان نیز قرار دهد: **«وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَمُكِّنُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ** (اعراف: ۱۳۸)؛ و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. آنان به قومی رسیدند که به پرستش بت‌هایی که داشتند روی آورده بودند. گفتند ای موسی برای ما معبودی بساز چونان که آنها معبودهایی دارند. گفت به راستی شما قومی هستید که نادانی می‌کنید.

تأثیر شگرف انگیز ثروت، زینت، مال و اموال دنیا بر روان‌ها، عواطف و تخریب آنها انکارناپذیر است. قارون سمبل ثروت و قدرت است. وی با شناخت این تأثیرگذاری تلاش می‌کرد تا ثروت و اموال خود را در معرض دید افراد قرار دهد و مردم بامشاهده آن گفتند ای کاش ما هم مانند آن را می‌داشتیم؛ بنابراین سالم سازی محیط (طبیعی و انسانی) یکی دیگر از روش‌های تربیت دینی است. این روش از خود آداب، اقتضائات و موقعیت‌های خاصیدارد.

۱۰. مواجهه ساختن با فضا و محیط مذهبی^{۱۱} (روش غرقه سازی^{۱۲})

یکی از روش‌های عملی برای اصلاح و تغییر، شیوهٔ مواجهه ساختن مخاطبان با فضاها و مکان‌های مذهبی و دینی است. این روش بر «مبنای تغییر پذیری تدریجی روح و بدن» و مبنای «هدف‌مندی و «مسئولیت‌مندی» و مبنای «نیازمندی به وحی و شریعت» و مفروضات شرطی‌سازی مبتنی و مشابه روش غرقه‌سازی و روش شکل‌دهی» در روان‌شناسی است. برای ایجاد تغییرات تدریجی در روان و رفتار مخاطبان و شکل‌دهی رفتارهای ساده‌ی دینی به پیچیده و از بین بردن ترس افراد از اشخاص و اماکن دینی باید از همه فضاهای تأثیرگذار و جذاب به روش گام به گام استفاده کرد. امروزه یکی از شگردهای مخالفان دین به هدف جذب مخاطب، ایجاد فضاها و مکان‌های به ظاهر جذاب اما در واقع مخرب است؛ به همین دلیل لازم است از این سوژه مناسب نیز به اندازه کافی استفاده عملی شود تا با این روش، ترس و نگرانی در مخاطب از بین رفته و نگرش سلبی آن نسبت به پدیده‌های ارزشی اصلاح شود. افراد به حکم فطرت و خلقت خویش و همچنین بنا به اقتضای رشد جسمی، عقلانی و عاطفی خود از زیبایی عبادت‌های گروهی و هنر لذت می‌برند و این بیشتر در فضاهای مذهبی مشاهده می‌شود.

^{۱۱}. By Exposing Religious Atmosphere

^{۱۲}. Flooding

مواجه کردن آنان با اماکن دینی و مذهبی در واقع تلاشی برای به دست آوردن تجربه شخصی دینی، کسب هویت دینی، افراد است و نوعی آموزش عملی دستورهای اسلامی نیز است. کودکان بیشتر رفتارهای اولیه را از راه تقلید و با استفاده از چشم و گوش یاد می گیرند. مشاهده کودکان، نوجوانان و جوانان از رفتار مذهبی نمازگزاران، والدین و مربیان در مکانی مانند مساجد و کیفیت رفتار افراد قبل از انجام دادن فرایض دینی و بعد از آن در رفتار آنان تأثیرگذار است. آن ها به طور محسوس می بینند که دیگران چه نوع رفتاری با این گونه مکان های مقدس دارند و از چه نوع پوشش ها، عطریات و وسائل استفاده می کنند. اینها عملاً می بینند که والدین و دیگران در چنین اماکنی کمتر به آسیب های گفتاری و رفتاری می پردازند و فقط به خوبی ها می اندیشند و خوب عمل می کنند و به نظم، انضباط، نظافت و آراستگی مقیدند که از خواسته های فطری است؛ به همین دلیل، این امور و امثال آن در مکان های دینی باعث جذب و کشش کودکان، نوجوانان و جوانان می گردد.

با این شیوه عملی بسیار راحت تر می شود حس مذهبی و دینی آنان را تقویت کرد و این حس خدادادی را فعال نگه داشت. این روش، روش فعال است که خود متربیان و مخاطبان به کند و کاو و جستجو می پردازند و جنبه خود آموزشی دارد و مانند کلاس درس مجبور و مأمور به قبول نسخه ای از قبل پیچیده شده و دستور مافوق نیستند. خود ضابطان و خادمان این اماکن چه افرادی و دارای چه نوع برخورد، ادب و فرهنگی هستند بحث دیگری است و باید در جای خود بررسی گردد؛ زیرا علت بعضی از مشکلات دینی و مذهبی کودکان، نوجوانان و جوانان نوعی ارتباط مسئولان و کارگزاران این گونه اماکن است. در این مکان ها کمتر به گروه های سنی مورد بحث بهاء داده می شود. وقتی کودکی یا نوجوانی جوانی می بیند همه خادمان یا مسئولان، میان سال و کهن سال هستند و به مسائلی، مانند آراستگی ظواهر، نظافت و آداب برخورد با کودکان، بهاء نمی دهند و با ویژگی ها و نیازهای اینها آشنایی ندارند بلکه دروادی های مختلف می اندیشند، کمتر تأثیر می پذیرند. افزون بر اینها عده ای اهل پرخاش و افراط نیز هستند.

گذشته از همه اینها عالمان، مبلغان و مداحانی که در این اماکن به سخنرانی و اجرای مراسم می پردازند نیز به این گروه هایی در حال تربیت شدن توجهی ندارند؛ مثلاً از نظر زمانی رعایت حال کودکان، نوجوانان و جوانان را ندارند؛ بلکه از ابتدا فرض می گیرند که مخاطبان آنان فقط بزرگسالان و افراد تربیت شده هستند؛ به همین دلیل، هرچه بگویند و هر مقدار و مدت زمانی سخنرانی یا مداحی کنند، اشکالی ندارد! درحالی که این گونه برنامه ها برای تربیت کردن است نه برای وقت پرکردن.

بنابراین از روش های مؤثر برای ایجاد تغییر و اصلاح، مواجه کردن مخاطبان با اماکن و فضاهای تربیتی است؛ اما به شرط این که به سائر مؤلفه های تأثیرگذار در این اماکن نیز توجه شود؛ زیرا صرف مشاهده مکان مذهبی تأثیرگذار نیست و چه بسا بیزاری آور نیز باشد.

نتیجه گیری

از مجموع مطالب پیش گفته نتایج ذیل بدست آمد: روش های اصلاح و تغییر رفتار مبتنی بر پیش فرض های «انسان شناختی و مفروضه های اساسی «شرطی سازی» در مکتب رفتارگرایی و اهداف، اصول و سایر مؤلفه های تربیت است و این که در حوزه روش ها و اجرائات، تفکیک روش های رفتاری از روش های شناختی و عاطفی و بکارگیری آن بر اساس مقتضای شرایط مخاطب و محیط، با اهمیت تلقی می شود. به علاوه پیش نیاز اجرا و عملیاتی نمودن روش اصلاح و تغییر، دارای شرایط و آدابی است که باید از قبل محرز و معین باشد تا سبب ایجاد چالش ها و آسیب هایی فرهنگی و اجتماعی نشود. روش های مذکور در این مقاله اغلب جنبه ای رفتاری دارند. اغلب افراد فارغ از ملیت و سرزمین و فرهنگ، تابع مؤلفه های عینی و مشهود اند و این گونه از امور اثر مضاعف بر روح و روان مخاطبان دارند. فلسفه ای بکارگیری روش ها، اقدامات عملی و عمل های جزئی، عملیاتی نمودن اهداف در بستر زندگی واقعی است. اجرای عملی روش ها، تابع شرایط و کیفیت هایی (چگونگی اجرا) است که معروف به اصول حاکم است (اصول تربیت). به عبارتی صرف داشتن روش اصلاح و تغییر کافی نیست بلکه اجرای عالمانه و با توجه به اصول تربیت نیز ضروری و مهم است. در این پژوهش به ده مورد از این نوع روش ها با توصیف و استناد اسلامی و رویکرد رفتاری اشاره گردید.

منابع

۱. قران کریم، ترجمه ابولفضل بهرام پور، قم: چ اول، ۱۳۹۱ش.
۲. آملی، جوادی، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء، ۱۳۸۵ش.
۳. آملی، جوادی، مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء، چ دهم، ۱۳۸۸ش.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه سید هاشم رسولی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ سیزدهم، ۱۳۹۰ش.
۶. خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، چ پانزدهم، ۱۳۸۵ش.
۷. بیرهوف، ورنر، رفتارهای اجتماعی مطلوب، تحلیل انواع رفتارهای اجتماعی از دیدگاه روان شناسی اجتماعی، ترجمه صدقی نژاد، نشر گل آذین، ۱۳۸۴ش.
۸. حسینی زاده، سید علی، تربیت فرزند، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ هفتم، ۱۳۸۸ش.
۹. رشید پور، مجید، پرورش های اخلاقی و روش های تربیتی، قم: اولیا و مربیان، چ اول، ۱۳۸۳ش.
۱۰. سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتار درمانی، تهران: دوران، چ پنجم، ۱۳۸۱ش.
۱۱. سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی نوین، تهران: دوران، چ دهم، ۱۳۸۹ش.
۱۲. شجاعی، محمدصادق، درآمدی بر روان شناسی تنظیم رفتار بارویکرد اسلامی، قم: دارالحديث، چ اول، ۱۳۸۸ش.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱۳ و ۱۵، ترجمه همدانی، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۱۴. فرمهینی، فراهانی، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران: اسرار دانش، ۱۳۷۹ش.
۱۵. قطب، محمد، روش تربیتی اسلام و کاربرد عملی آن، ترجمه محمود ابراهیمی، سنندج: آراس، چ اول، ۱۳۸۹ش.
۱۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، چ شانزدهم، ۱۳۸۴ش.

۱۷. قائمی مقدم، محمدرضا، روش‌های تربیتی در قرآن، ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ یکم، ۱۳۹۱ ش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ۸، (ج ۸)، قم: آل‌البیت، بی‌تا.
۱۹. محمد قاسمی، حمید، اصلاح و افساد در داستان‌های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، بین‌الملل، چ اول، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳ و ۱۱ و ۱۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ ش.
۲۱. _____، پیام قرآن، نبوت خاصه، ج ۱ و ۸، قم: نسل جوان، چ اول، ۱۳۷۳ ش.
۲۲. _____، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم: مؤسسه امام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۷ ش.
۲۳. مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران: صدرا، چ چهاردهم، ۱۳۸۲ ش.
۲۴. _____، مجموعه آثار، ج ۲۴، ۲۵، تهران: صدرا، چ چهارم، ۱۳۸۸ ش.
۲۵. _____، جاذبه و دافعه علی (ع)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۲، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. _____، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، چ دوم، ۱۳۹۱.
۲۸. میلتن برگر، ریموند، شیوه‌های تغییر رفتار، ترجمه محمدی و جمشیدی، تهران: چ اول، ۱۳۹۲ ش.
۲۹. مهدیان، محمد جعفر، مبانی و اصول تعلیم و تربیت، ساوالان، چ اول، ۱۳۸۵ ش.
۳۰. نجاتی، محمد عثمان، علم النفس: روانشناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان، ترجمه سعید بهشتی، تهران: رشد، چ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۳۱. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، تهران: فراروی، چ سوم، ۱۳۸۴ ش.
۳۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۸، ۱۱، ۶، (ج ۲۸)، بیروت: آل‌البیت، بی‌تا.
۳۳. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۴ و ۸ و ۱۶، (ج ۳۰)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۹، ۷۲، ۵۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (ج ۱۱۱)، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. وطن دوست، رضا، عمل در قرآن، مشهد: دانشگاه رضوی، چ اول، ۱۳۸۲ ش.

مقالات

۱. شاملی، عباسعلی، جایگاه و نقش انداز و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران (نگرش قرآنی)، معرفت، ش ۳۳، ۱۳۸۹.
۲. شاملی، عباسعلی، در تکاپوی رسیدن به مدلی از تربیت اخلاقی در اسلام، تربیت اسلامی، ش ۲، تابستان ۱۳۷۹.
۳. ابراهیمی دهشیری، محمد حسن، اصول تغییر و اصلاح رفتار در سیره معصومان، معرفت، ش ۱۶۰، ۱۳۹۰.
۴. قائمی، آفرین و محمدی، کریم خان، مبانی انسان‌شناختی ارزش‌ها، معرفت، ش ۱۹۱، ۱۳۹۲.